

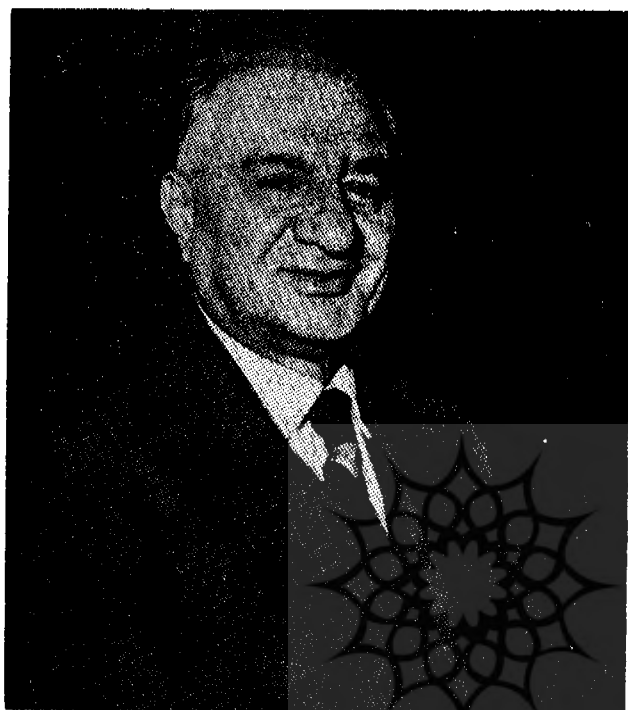
یادداشت‌هایی
از عصر پهلوی

علی اصغر حکمت
استاد ممتاز دانشگاه

یکپارچگی
ملت ایران

۱۳
فرهنگ
واحد

قسمت سوم



علی اصغر حکمت

وحدت اقتصادی

چهارمین عامل هفتگانه یکپارچگی هر ملت همانا وحدت اقتصادی آن ملت است این عامل قوی و نیرومند نیز بنوبت خود از ارکان مهم و اسباب مؤثری است که يك قوم و مردم را از برکات وحدت ملی برخوردار مینماید .
اقتصاد هر کشور یعنی امور مربوط به معیشت زندگی مادی آن کشور عموماً بر سه پایه قرار گرفته :

۱- زراعت و کشاورزی - یعنی مواد اولیه نباتی و حیوانی - ۲ - صناعت یعنی بهره‌برداری از محصولات اولیه کشاورزی و معدنی ۳ - تجارت یعنی استفاده از محصول

و صناعات که به مملکت وارد می‌شود و یا از مملکت خارج می‌گردد و نظام صادرات و واردات آن کشور را تشکیل می‌دهد. عنصر اصلی نظام اقتصادی زمین و آب است. هر ملتی که این هر دو را بحد کافی برای تأمین معیشت خود نداشته باشد اقتصاد او فقیر و ناقص است. آب و زمین دستگاه اقتصادی را تشکیل میدهد و صاحبان آنرا در شبکه اکونومی بین المللی بقدر توانائی او قرار میدهند.

کشور ایران اگرچه از حیث آب تا حدی فقیر است و میزان بارندگی سنواتی آن چندان زیاد نیست ولی هنوز بواسطه صرفه جوئی در رودخانه های عظیم که بیفایده به دریاها یا باطلاقتها فرو می‌روند میتواند کمبود بارندگی بعضی سالهای خشک را جبران کند ولی از طرف دیگر وطن ما دارای ثروت خاکی بسیار است و ثروت او از حیث زمین و آنچه در قعر زمین از معادن گرانبها نهفته است پایه اقتصادی محکمی برای ملت ما فراهم ساخته و با ایجاد سدها و احداث قنوت و تربیت جنگل‌ها و بهره برداری از معادن بالخاصه اندوخته نفتی او میتواند يك اقتصادملی بسیار نیرومند ایجاد نماید و واردات و صادرات خود را تعدیل و برابر کند و همین توانائی و قدرت طبیعی کشور ایران است که يك پایه وحدت ملی برای سکنه آن کشور فراهم آورده است. و رابطه اکونومیک آنرا بادیگر ممالک بزرگ جهان در سطح برابر قرار دهد.

هر سه عامل و عنصر اصلی یعنی اول کشاورزی وسیع و پردامنه که از دیرباز در این مملکت وجود داشته و بعد عنصر دوم یعنی صنعت از آن بهره برداری کرده و معادله تجارت واردات و صادرات خود را برقرار ساخته قرنهاست که حیات مادی این کشور را زنده و محکم نگاهداشته لیکن از سوی دیگر عوامل مختلفی مانند وجود حکومت‌های ضعیف یا تحمیلات غیر عادلانه در سیاست همیشه در پیشرفت آن عناصر سه گانه مؤثر بوده است.

رضاشاه پهلوی در دوران زمامداری خود در هر سه زمینه اقدامات مؤثری بوجود آورد این سه عامل با عامل تسطیح طرق و شوارع و عرابه روکردن جاده‌های اصلی و فرعی در سراسر کشور که در اواخر قرن سیزدهم قمری بحالت ضعف و انحطاط افتاده بود - يك وزارتخانه کوچکی بنام «فوائد عامه» با دستگاه ناتوانی در این کارها مسئول شمرده میشدند ولی عمل مؤثری انجام نمیداد.

شاه با تقویت سه اداره کل و يك وزارت خانه راه که رؤساو يك وزیر آن هر چهار در هیئت دولت او عضویت داشتند موجبات ترقی و توسعه عوامل اقتصادی را بوجود آورده اداره کل فلاحات - همه جا مدارس مخصوصی برای کلیه فنون فلاحتی و تربیت زارع و کشاورز تشکیل شد و در جنب آن مزرعه های نمونه که محصولات محلی هر ولایت را

تربیت، میکرد تأسیس نمود - هم چنین همه جا کارخانجات عدیده از نساجی و قندریزی و تولید سیمان و بلور سازی و غیره و بالاخره تصفیه نفت و احقاق حق ایران از يك شرکت خارجی و تربیت مهندس ایرانی برای تصفیه نفت و نیز کارخانجات کوچک از قبیل پنبه و کنف و برنج و امثال آن تشکیل یافت. همه ساله وزارت مالیه، اداره کل گمرکات با هم کاری اطافهای تجارت و راهنمایی به تجار و بازرگانان و تشکیل نمایشگاه محصولات ایران که همه ساله در خیابانهای سبزه در عمارت وسیعی تشکیل می شد شاه شخصاً به آنها دقیقاً و رسیدگی میکرد و نیز ایجاد سیستم تهاتر برای تعدیل و برابری واردات و صادرات بازرگانی مملکت را توسعه داد راههای ایران همه شوسه را به روشد و اسفالت کاری شاهراهها شروع گردید و بالاخره راه آهن سرتاسری ایران بوجود آمد شرح هر يك از این ترقیات عظیم که در اقتصاد مملکت پدید آمد نیازمند یادداشت های مفصل است و باید برای اطلاع از میزان ترقی آنها در مدت شانزده ساله سلطنت پهلوی به بایگانی و سوابق موجود در وزارتخانه ها رجوع نمود. ما در این یادداشت فقط به ذکر مختصری از سه ارکان اصلی اقتصاد یعنی پول و اصلاح تقویم و نظم اوزان و مقادیر و ابتکارات سودمند که در هر يك از آن سه عامل بزرگ بعمل آمده و نگارنده خود شاهد عینی آن بوده ام برای نمونه سخن میگوئیم. دیگر مسائل را که به نگارش کتابهای مفصل محتاج است به ذوق شخص خواننده وا میگذاریم.

پول رایج کشور

سیستم پول رایج یعنی میزان دخل و خرج فردی و جمعی در ممالک راقیه بطور شگفت آمیزی توسعه یافته و استحکام حاصل کرده است. افراد و جماعات جهان برای تبادل محصولات خود در خارج کشور از دیر باز واحدی اختراع کردند که آنرا پول میگویند - پول بمعنی قیمت مساعی جمیله کشاورزان و صنعتگران و بازرگانان و سایر طبقات اجتماع - هر کشور از ممالک دنیا بر آن واحد پول خود نامی مخصوص مانند دلار - پوند - فرانک و غیره گذارده و اداره و انتظام آنرا در شبکه اقتصادی جهانی با تشکیل بانکهای، درن بوجود آورده اند. بیفایده نیست که بگوئیم که مردمی که در شش قاره ربع مسکون ساکن اند روابطی ایجاد کرده که آنها را به همدیگر متصل و مربوط ساخته است و هر نوع از آن روابط را در مثل بررنگی علیحده و جدا گانه ملقب ساخته اند.

مثلاً «بین المللی نبود»، لقب تشکیلات سیاسی و سازمان های حکومتی است که سازمان ملل متحد را بوجود آورده تشکیلات بین المللی مختلف چون سازمان یونسکو

دفتر بین‌المللی کاروسازمان اف . ا . او . یعنی سازمان کشاورزی و خوار وبار جهانی و سازمان بهداشتی و غیره همه آن‌ها وابسته سازمان ملل متحد هستند و چون بیرق و پرچم سازمان ملل متحد برنگ آبی آسمانی است از این رو آن را « بین‌المللی کبود » نامیده‌اند .

یکی دیگر « بین‌المللی سیاه » است که عبارت از سازمان دینی و مذهبی مردم جهان است . هر ملتی مذهب خاص خود دارد ولی بعضی از آنها با بعضی دیگر در اصول و فروع مشترك است و شاخه‌های آن از اصل و ریشه واحد ریشه گرفته‌اند چنانکه در ممالک مسیحی و فرقه‌های فرعی آن مانند کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها يك شبکه واحد در تحت علامت صلیب دین مستقلی اتخاذ کرده که تشکیلات پاپ اعظم در ممالک کاتولیک یکی از آن جمله است و چون در سراسر جهان لباس کشیش‌ها و رهبران دینی سیاه است از این رو آنرا « بین‌المللی سیاه » گفته‌اند . البته ممالک اسلامی هم در آسیا و آفریقا و ممالک بودایی مذهب در آسیای شرقی و جنوبی نیز جوامع بین‌المللی بوجود آورده‌اند چنان که در ممالک اسلامی همه در دو اصل توحید و نبوت متفق‌اند و ممالک بودایی از دو فرقه هنامانا و منهامانا همه در تقدیس بودا اتفاق دارند خود جوامع بین‌المللی مذهبی منطقه‌ای بوجود آورده‌اند .

دیگر « بین‌الملل سرخ » است که بعد از انقلاب اکتبر در روسیه (۱۹۱۷) در تحت تعالیم کارل ماکس و لنین در عالم بوجود آمد و میلیون‌ها نفوس در اقطار مختلف جهان بآن گرویده‌اند و چون پایه عمل آنها بر اصل انقلاب می باشد از این رورنگ سرخ گرفته‌اند .

بالاخره يك بین‌الملل دیگری در عالم بنام « زرد » وجود دارد که اینک موضوع سخن ما است و آن عبارت است از شبکه‌های پولی و نظام بانکی که همه جهان در آن به یکدیگر پیوسته‌اند و پشتوانه پول آنها فلز زرد یعنی طلا می‌باشد . از اینرو این لقب برای سازمان‌های جهانی استعمال شده است .

در کشور ایران نظام پولی و سکه رایج زر و سیم از زمان مادها و هخامنشی‌ها وجود داشت و معاصرین آنان بابل و آشور این فلز را برای سکه رواج معاملات خود بنام پادشاهان وقت ضرب می‌کردند که مجموعه‌های اعصار تاریخی از سکه‌های ایرانی هم اکنون زینت موزه‌های بزرگ عالم است و تاکنون پول طلای ناب مبنای پول ایران است . در قرن نوزدهم به تبعیت از سیستم جهانی بانک‌ها پول کاغذی را نماینده فلز زرد قرار داده اسکناس و نوت بانک که اصلا اختراع چینی‌ها بوده است اکنون در بازارهای ایران مدار معاملات است لیکن در همان قرن نوزدهم چاپ اسکناس در ایران تحت کنترل و تسلط بیگانگان بود .

بانك موسوم به «شاهنشاهی» را انگلیسی ها و بانك موسوم به «استقراضی» را روسها تأسیس نموده و پول یعنی خون جاری درشریان هاورگه های اقتصادی مملکت در قبضه ایشان بود تا اوائل قرن بیستم آن چنان بر بازار ایران استیلا یافتند که ملت ایران از سرمایه پولی خود جز نام شاه که روی سکه ها ضرب و روی کاغذها چاپ میشد واقعت عملی نداشت . محتاج بشرح نیست که این تسلط تا چه پایه در سیاست ملی و استقلال - کشورها زبان آور بود . مثلا اگر یکروز سفارت های روس یا انگلیس در تهران عملی را بنفع خود و بزبان ایران از دولت های وقت تقاضا میکردند برای احراز مقصودشان همینقدر کافی بود که بانك های آنها در گیشه های خود را به بندند و دولتهای ضعیف را مجبور به تمکین و اطاعت نمایند .

در نتیجه تحولی که در این اوضاع نابهنجار پیش آمد و زمام مملکت بدست دولت نیرومند و قوی عصر پهلوی افتاد اینك باکمال سرفرازی و غرور میتوانیم بگوئیم که ما از نعمت استقلال مالی و پولی خود بهره ورهستیم این ریشه اقتصادی دردست بانك خود ماست که در ایران بنام «ملی» تأسیس شده است .

رضا شاه پهلوی بساط هر دو بانك خارجی را در هم پیچید . بانك استقراضی روس با انقلاب روسیه در اوایل رژیم آن شاهنشاه ، منحل شد و بانك شاهنشاهی نیز بناچار بر مقررات بانك مرکزی ایران گردن نهاد . در سال چهارم سلطنت ایشان بانك ملی ایران بموجب قانون خاصی تشکیل شد . البته باید گفت که با تأسیس دولت مشروطه آزادی - خواهان و وطنپرستان ایران سعی بسیار کردند که ایران دارای يك بانك ملی باشد و با وجود مساعی و کوشش بسیار و تبلیغات فراوان نتوانستند بر آن نیت خیر خود جامه عمل بپوشانند . تأسیس بانك ملی در مجلس اول در ۱۳۲۵ ق . پیشنهاد شد ، ولی در نتیجه انقلابات و فشار دولت های استعماری آن بانك ملی اسمی بلامسمی شده و از خاطرها فراموش شد .



عاقبت در سال ۱۳۰۹ ش. بانک ملی ایران بوجود آمد. البته در ابتدای امر ناگزیر برای تشکیل آن کار شناسان آلمانی که از دایره سیاست استعماری شمال و جنوب بیرون بودند استخدام شدند ولی در اندک زمانی خود افراد ایرانیان با هوش در این



رشته لیاقت خود را ظاهر ساخته و سررشته امور بانک ملی با همه توسعه‌های که حاصل کرده بدست خود آنها اداره میشود و بحمدالله تا امروز نیز که عصر همایون شاهنشاه آریامهر است سازمان بانک ملی ایران سیاست پولی ایران را در دست گرفته و بانک‌های بیگانه که بعدها بموجب قوانین ایجاد شدند از آن متابعت مینمایند.

در اسفند همان سال ۱۳۰۴ قانونی از مجلس ایران تصویب شد که بنام « واحد مقیاس پول ایران » موسوم است. این قانون در ۱۴ ماده دستور مسائل پولی مخصوص کشور را معلوم و مشخص ساخت.

قبل از وضع این قانون پول ایران با پشتوانه طلا تثبیت نشده بود و در هر گوشه و کنار مملکت پولهای ممالک همسایه از قبیل منطروسوی و پوند انگلیسی و فرانک فرانسوی و مارک آلمانی و حتی روپیه‌های هندی و قمری عثمانی در بازارهای ایران مدار عمل تجارت و داد و ستد و واحد صادرات و واردات مملکت شمرده میشد.

از آن بیعد بانک ملی ایران باسظهار قوت دولت سرمایه هزاره‌میلیونی خود را ملاک تبادل محصولات زراعی و معدنی بر پایه ثروت ملی با پشتوانه طلا مورد معاملات قرار داده است. پول ایران که بنام «ریال» و «پهلوی» موسوم و بر سکه زرو سیم‌ضرب و یادر کاغذ چاپ میشود مورد عمل است و در شبکه پولی جهان با استقلال و استحکام خود مورد اعتبار و رایج میباشد.



اوزان و مقادیر

بعد از اصلاح مأخذ پول رایج در این عصر همایون اصلاح اقتصاد دیگری در زمینه تثبیت و ترتیب نظام اوزان و مقادیر معمول مملکت صورت گرفت.

از ازمئه بسیار دیرین تا اوایل قرن چهاردهم شمسی هجری اوزان و مقادیر و مقیاسهای طول و سطح و حجم در سراسر مملکت وضعی مشوش و آشفته داشت. هر شهر یا ولایت برای وزن جنس و تمیین مقدار محصول واحدی جداگانه داشت و هر جا اسم و رسم دیگری معمول بود همانطور که واحدهای پول در ولایات ایران باسامی گوناگون مانند «پاپاسی» یا «غاز» و «شاهی» و «عباسی» و «قران» رواج داشت استقرار نظام پولی باین تشویش و پریشانی خاتمه داد. اوزان در هر ولایتی به اسمی دیگر و مقداری دیگر رواج داشته مانند «سیر» و «مقال» و «اوقیه» و «چارک» و «من» و «ری» و «خروار» و مقیاسها نیز با اسامی گوناگون مانند رجب، انگشت، زراع، نخود و امثال آن اندازه گیری می شد. مقیاس واحد سطح باسا می متعدد مانند جریب و پیمان و گاو بندی و امثال آن در هر بلدی برای خود واحدی اختیار کرده و یا بانامی دیگر معروف کرده بودند. در شمال و جنوب و شرق و غرب واحد معمولی در روسیه و هندوستان و ترکیه متداول و «پوط» «اینچ» و «فوت» مدار عمل مردم بود.

این وضع آشفته و ناهنجار البته بکلی برخلاف اصل وحدت و یکپارچگی ملت و طبعا باعث افتراق وجدائی شهرها و استانها از یکدیگر میشد. بزرگان و عقلائی قوم از این افتراق نگران بودند خصوصا آنکه در اوایل قرن بواسطه تسطیح طرق و شوارع و وسایط نقلیه سریع السیر مانند اتومبیل و راه آهن و هواپیما تمام استانها و شهرستانهای ایران چنان به یکدیگر پیوسته و متصل شده بودند که استعمال واحدهای ثابت و متحدالشکل در تمام مقادیرها و اوزان را ایجاب مینمود.

در عصر شاهنشاه پهلوی و قدرت دولت ایشان به این آشفتگی و پریشانی خاتمه داده شد. قانون مخصوصی در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ (سال هفتم سلطنت) بتصویب رسید که بنام «قانون اوزان و مقادیر» در طی پنج ماده مدون است. منظور از این قانون اتخاذ واحد های یگانه برای تمام افراد ایرانی از کاسب و کارگر و دهقان ایجاد گردید.

در این قانون با واقع بینی بر خلاف بعضی ملل بزرگ که در کهنه پرستی و عقاید سنتی خود پایدار و دچار هزاران زحمت هستند ایران اصول سیستم متری را که عقلائی عالم اختراع کرده بودند اقتباس کرد. این سیستم مبتنی بر قواعد علمی و بر واحدها اندازه ثابت قطر با شعاع حقیقی و جغرافیائی کره ارض وضع شده است ایران نیز با تحقیق علمی

و تشخیص عقلی همان را اخذ کرد و از اینقرار ترتیب تقسیم اعشاری و واحد طول يك متر و واحد سطح يك متر مربع و يك هکتار یعنی يك سانتیمتر مکعب بطور ثابت معمول شد . و از برکت استقرار دولت شاهنشاهی این قانون رایج و عملی شد و اداره کل تجارت در طول سالها تا ۱۳۱۲ تمداد زیادی از اوزان و مقادیر فلزی تهیه کرد و در اختیار عامه قرار داد .

برای آنکه از علاقه شخص شاهنشاه به استعمال اوزان و مقادیر جدید معیاری به دست بیآورید باین حکایت که بنده خود شاهد بودم گوش کنید .

در زمستان ۱۳۱۲ شبی جلسه هیئت وزراء در حضور شاه منعقد بود . ایشان کاغذی در دست داشتند و بوزیر پست و تلگراف دادند و فرمودند گزارش تلگرافی است که از اهواز رسیده و تلگرافچی مقیاس رسمی قانونی را استعمال نکرده و فوراً او را برای تنبیه و تنبیه دیگران از شغل خود منفصل نمایند . معلوم شد تلگرافچی بمادت سابق که مقیاس های خارجی را استعمال میکرد از اهواز گزارش داده که رود کارون طغیان کرده و ارتفاع آب از حد طبیعی گذشته و به چند فوت رسیده است . البته کلمه «فوت» انگلیسی را که در خوزستان استعمال می شد در گزارش خود استعمال کرده و جلب نظر شاه را کرده بود در نتیجه بر حسب امر ، تلگرافچی به « فوتی » از کار معزول شد .

تقسیم زمان یا اصلاح تقویم :

دیگر از معایبی که سالهای دراز مورد ابتلاء اهل ایران بود نیز در همین عصر خجسته اصلاح گردید این مشکل که هم مورد نیاز اقتصادی مردم و هم از نظر تاریخ نویسی و وقایع نگاری محل حاجت ملت ایران است لازم بود که اصلاح و حل شود . این مسئله همانا اختیار تقویم صحیح نجومی و اتحاد وضع علمی و ثابتی در تقسیم زمان است و لازم بود در مملکت ترتیب و قاعده روشنی برای تعیین اجزاء زمان یعنی «سال» و «ماه» و «روز» و «ساعت» وضع شود که بر اساس قواعد علمی قرار گیرد . عامه مردم از نظر وقایع زندگی خود یعنی وقایع اربعه ثبت تاریخ تولد و وفات و از دواج و طلاق و هم چنین از لحاظ معاملات در دفاتر اسناد معاملات و تاریخ نظام وظیفه و تاریخ احکام دولتی و اسناد رسمی مانند دیپلم ها و تصدیق نامه عام و خاص افراد بیک تقسیم بندی صحیح زمان احتیاج داشتند .

در کشور ما قبل از اسلام سال شماری های گوناگون که ناشی از حرکت زمین و ماه بود از زمان بابل و آشور معمول بود و مبدأ سال تاریخ سلطنت يك پادشاه آغاز و به زوال او پایان می یافت و وضعی مستدام و ثابت نداشت . از بدایع برکاتی که به یمن اسلام در این مملکت بوجود آمد ابداع نقطه ثابت مبدأ تاریخ هجری است که آغاز آن از اولین

سال هجرت رسول خدا از مکه به مدینه (مطابق سال ۶۲۲ میلاد مسیح) تعیین شده است. ولی این تاریخ قمری بود یعنی سال بدو زده ماه از محرم تا ذیحجه تقسیم می شود و هنوز برقرار است ولی جامعه از لحاظ احتیاجات مختلف برای تنظیم سال امور کشاورزی و ثبت نظام مالیاتی به سال شمسی نیز احتیاج دارد که مبنای آن تقسیم سال است بدو زده برج (از منطقه البروج) از اینرو بکرات علما و منجمین ایران به تحریر جدولهای نجومی که سال قمری را با سال شمسی تطبیق کنند اقدام نموده و تاریخ های گوناگون مانند تاریخ جلالی (ملکشاه سلجوقی) و زیج ایلخانی (زمان سلطنت هلاکو) و زیج الغ بیکی (زمان سلطنت شاهرخ تیموری) تدوین نمودند که برای تعیین سال شمسی یا قمری هر کدام جداولی نگاشتنند چون طول یک سال قمری از یک سال شمسی هر ساله ده روز و شش ساعت و ۱۱ ثانیه کوتاه تر است از اینرو با تکرار سال ها دراز همیشه سالها قمری بقهقرا عقب رفته و چند سال یا چند قرن باختلاف فاحشی پیش می آورد. زیج نویس ها مانند خیام و خواجه نصیر و الغ بیک سال کبیسه قرار داده که با رعایت آن تاریخ قمری و شمسی با یکدیگر تاحدی منطبق شود.

منوها و ترکه های ماوراءالنهر بحکم اجبار برای سالهای شمسی یک نوع تقسیم بندی اختراع کردند که آنرا سالهای تاریخ خط ایفوره می نامند. در این تاریخ هر واحد ۱۲ سال شمسی است که هر سال بنام جانوری که گویا معمول طوائف مختلفه آن مغولان صحرا گرد بوده است موسوم شد بعد از غلبه بر آنها ممالک مختلفه خود و از جمله دیوانهای خراج و دفاتر دولتی را باین تاریخ موسوم ساختند و هر سال را ائیل، گفتند و نام ۱۲ ماه سال از این قرار بود که در این قطعه ذکر شده: سیچقان و اود و بارس و پس توجقان لوی ائیل - بعدئیلان یونت باشد بعد از آنها قوی ائیل.

بیجی ائیل از سالها هم بود در نزد ترک - پس تخاقوی است وزان پس ایت و پس تنگوزئیل.

ترجمه این الفاظ ترکی در قطعه ذیل است:

موش و بقروپلنگه و خرگوش شمار	زین چارچو بگذری نهنگ آید و مار
آنگاه به اسب و گوسفند است حساب	همدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار

توش و اضطراب بین دو تاریخ شمسی و قمری برای همه کس و مخصوصاً برای نویسندگان و قایع و مورخین سررد دوزحمت زیاد ایجاد می کرد.

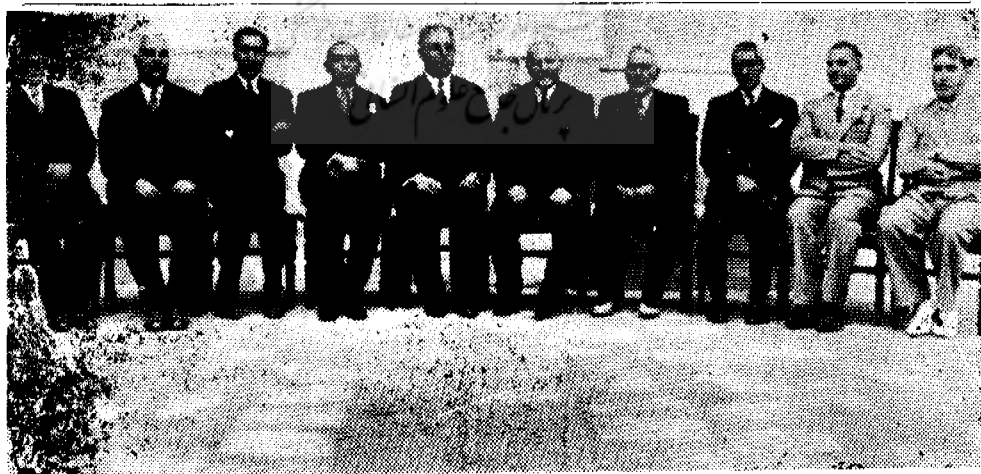
ولی قرن این بی نظمی همچنان باقی بود و اشکالات اقتصادی ایجاد می کرد در این زمان همایون که همه آشفته گی ها به نظم و ترتیب ثابتی در آمد مسئله تاریخ گذاری تقسیم زمان نیز حل شد و تقویم ایران از سال و ماه و روز وضع ثابتی بخود گرفت و چون شاه بهوش فطری این معنی را درک کردند و دانستند که وجود یک تاریخ

ثابت متضمن رفاه و خیر عموم و اصلاح آن بطریقی که علما و عقلا ایران پیشنهاد کردند لازم و ایشان بر این امر موافقت و تأیید کردند .

در سال ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۴ - ۱۳۴۳ قمری که ایشان بعنوان ریاست و وزارت امام امور را در دست داشتند بموجب قانونی که یازدهم فروردین همان سال از مجلس گذشت اصلاح وضع تقسیم زمان بموجب آن قانون عملی گردید و بموجب این قانون نقطه مبدأ سال هجرت است و سال رسمی شمسی مرکب از ۱۲ ماه (برج) باسامی فارسی ایران قدیم که هر یک حکایت از فرشته و یاروان مقدسی میکند نام گذاری شده که از فروردین تا اسفند اکتون معمول است . شش ماه نیمه دوم هر ماه ۳۰ روز ولی برای رفع کبیسه در هر چهار سال اسفند ۲۹ روز بشمار آمد در همان حال ماه های قمری نیز برای حفظ و رعایت رسوم و آداب دینی در تقویم ایران معتبر شناخته شد زیرا که مدار عبادات و ایام متبر که میلاد یا شهادت و وفات معصومین و میلاد حضرت رسول اکرم نیز رسماً شناخته و مقرر شده است و تاریخ مستهجن خطا و اینفور بکلی منسوخ گردید .

این قانون بانظر مطلقین بعلم نجوم تهیه شده بود مخصوصاً باراهنمائی های سودمند مرحوم حسن تقی زاده که در علم تقویم و تواریخ اطلاع کامل داشته و در حین تصویب قانون نماینده مجلس بودند تهیه و تنظیم شده و از فروردین ۱۳۰۴ تا کنون تقسیم زمان بر طبق آن معلوم و رعایت میشود امید که همواره سالها و قرن ها بر کشور ایران و باشندگان آن مبارک و مینمونه باشد .

ایکاش که در دفاتر اسناد رسمی و ثبت وقایع و حوادث هر دو تاریخ هجری قمری و هم شمسی توأم آفید میشد تا در آتیه برای مورخین و مسئولین اداری و قضائی اشتباه و سهو روی ندهد .



هیئت رئیسه مجلس نهم . نفر وسط محتشم السلطنه رئیس مجلس است .